فصلنامه تحقیقات علوم تربیتی در نظام آموزشی

شماره مجوز: ۹۴۲۲۱ ((شماره اول-تابستان ۱۴۰۲))

نگاهی علمی به جامعه پذیری آموزشی در مدارس ایران

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۵/۰۲، تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۰۶/۰۶)

لیلی صفاریان گیلان

چکیده

جامعه پذیری مدرسه ای به عنوان یکی از اهداف عمده آموزش و پرورش در هر جامعه ای که به دنبال تثبیت و بازسازی و نهادینه نمودن فرهنگ، ارزشها و هنجارها و مقررات در افراد آن جامعه می باشد معرفی و مهم جلوه داده شده است.این موضوع تا آنجا اهمیت داشته که بسیاری از صاحبنظران از جمله دورکیم آموزش و پرورش را چیزی جز جامعه پذیری دانش آموزان ندانسته اند چراکه در قبال این نهاد است که به قول پارسونز انتقال فرهنگی از نسلی به نسل دیگر صورت می پذیرد. امروزه آنچه که درادبیات جامعه شناسی به عنوان اخلاق اجتماعی شناخته می شود و بیشتر مبتنی بر مباحث روانشناسی می باشد، همان چیزی است که تحت عنوان جامعه پذیری (SOCIALIZATION) در فرآیند درونی شدن عقاید، ارزش ها و هنجارها و یگانگی فرد با فرهنگ و جامعه از آن بحث می شود و به طور خلاصه در بحث از فرهنگ، اخلاق اجتماعی به عنوان ارزشها و قواعد رفتار در جامعه، موضوع بررسی قرار می گیرد. لذا این قواعد رفتار، مجموعه ای از عقاید، ارزشها و هنجارهایی هستند که نسبت به فرد، اموری بیرونی و مستقل تلقی می شوند و در جریان جامعه پذیری برای او درونی می شوند و به صورت جزئی از شخصیت او در می آیند.

واژگان کلیدی: مدرسه، نظام آموزشی، آموزش و پرورش، جامعه پذیری، آموز، جامعه

بخش اول: تفاوت تربیت با جامعه پذیری

عده ای جامعه پذیری را همان تربیت دانسته اند ولی در این دو مقوله وجوه افتراقی وجود دارد که در زیر بیان می شود:

تربیت یک فرصت است؛ در صورتی که جامعه‌پذیری یک فرآیند دائمی است که در اثر کنش متقابل اجتماعی ایجاد می‌شود (همین که فرد در جامعه زندگی کند در این فرآیند قرار می‌گیرد) شاخص‌های تربیت فردی، یک‌طرفه و نوعی ادای دین به جامعه است؛ اما جامعه‌پذیری انتقال جامعه به درون فرد است.تربیت برای یک زندگی بهتر و با رفاه بیشتر یک مقدمه است؛ اما جامعه‌پذیری متن زندگی است که از ابتدای تولد شروع و تا پایان عمر با فرد ادامه می‌یابد.تقریباً شاخص‌های تربیت در تمام جوامع یکسان‌اند، به همین علت، می‌توان آموزش را با شاخص‌هایی که به اجماع رسیده‌اند، ارزیابی کرد.اما جامعه‌پذیری به دلیل تفاوت جوامع ممکن است متفاوت باشد.تربیت در انواع تربیت بدنی، تربیت دینی، تربیت استثنائی و...ملاحظه می‌شود اما جامعه‌پذیری دو شکل رسمی و غیررسمی دارد.(ریاضی،۸۹) بنابراین جامعه‌پذیری یک فرآیندبوده و این فرآیند، اجتماعی است؛ یعنی در برقراری کنش متقابل با دیگران به ظهور می‌رسد.در عین حال، مستمر و دائمی است، به گونه‌ای که از ابتدای تولد تا پایان عمر ادامه دارد.طی این فرآیند، مهارت‌های زندگی و حرفه‌ای درونی می‌شوند و افراد طی آن، برای عملکرد به عنوان یک فرد اجتماعی، آماده و با ارزش‌ها و الگوها و شاخص‌های فرهنگی آشنا می‌شوند. جامعه پذیری با توجه به پیچیده بودن و چند بعدی بودن آن، در رشته های مختلف علوم انسانی و از دیدگاه ها و زوایای مختلف مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.روانشناسی، جامعه شناسی، روانشناسی اجتماعی و انسان شناسی فرهنگی نیز هر یک از دیدگاه خود جامعه پذیری را مورد کنکاش و مطالعه قرار داه اند.به طور کلی می توان گفت که کمتر پژوهشگری در رشته های مختلف علوم انسانی می توان یافت که یا به صورت مستقیم به امر جامعه پذیری نپرداخته ویا به صورت غیر مستقیم در پرداختن به امر آموزش و پرورش بی توجه به این موضوع بوده باشد.برای مثال چارلز کولی بحث "درونی کردن ارزش ها را مورد مطالعه خود قرار می دهد که این امر بخشی از عناصر محتوای جامعه پذیری است (کوزر, ۱۳۷۲ :۴۱۵)در واقع برای بحث دقیق پیرامون جامعه پذیری به قول ژاک آردوآنو روانشناس اجتماعی فرانسوی یک نگاه بین رشته ای یا Multi-disciplinary نیاز است تا همهٔ ابعاد و زوایای این موضوعِ مهم، کالبد شکافی بشود(۱۹۹۴).از این رو،ماندن در چارچوب یک رشته و در چارچوب یک نظریهٔ خاص، کاری ناکافی و چه بسا خطا می باشد.بنابراین، در این بخش سعی شده است در یک رویکرد بین رشته ای به جامعه پذیری توجه بشود.ضمن اینکه، زاویه ی دید بررسی این موضوع در حوزه ی جامعه شناسی سنگین

تر و قوی تر از بقیه دیدگاه ها است و در توضیح مطالب هم از روانشناسی اجتماعی و هم از انسان شناسی فرهنگی نیز بهره برده ایم.بعضا سوالی مطرح است وآن اینکه آیا عموما خصوصیتهای خلقی و رفتاری والدین به صورت ارثی قابل انتقال است یا تحت تأثیر عوامل اجتماعی دیگری قرار میگیرد؟بدیهی است که انتقال خصوصیتهای جسمی و ظاهری انسان از طریق وراثت به صورت کامل صورت می پذیرد البته اگر انتقال به صورت ژنهای بارز باشد نه مستور در این صورت شکل ظاهری بدن ما به والدین مان شباهت پیدا خواهد کرد، در حالی که رفتار اجتماعی ما به شرایط فرهنگی، پرورشی و اجتماعی بستگی دارد و در انسان ابتدایی و ناآگاه تا حدودی به غرایز آن ها مربوط می شده، هرقدر از گذشته به عصر حاضر نزدیکتر شویم تفاوت در رفتار و معیارهای ارزش والدین و فرزندان بیشتر میشود چون مسؤولیت آموزش و پرورش به مؤسسه هایی غیر از خانواده سپرده میشود، در حالی که در گذشته خصوصیتهای پرورشی انسان در خانواده شکل میگرفت و انجام میپذیرفت.شباهت رفتار والدین و فرزندان به نسبت و میزان ارتباط و تماس مستقیم آن ها بستگی دارد.چون در عصر حاضر تماس بین آن ها بعد از پنج سالگی کمتر است شباهت رفتاری آن ها نیز کمتر خواهد بود.(فصلنامه تربیت.شماره زمستان ۱۳۸۳) بعضی غریزه را در نوع رفتار انسان مؤثر دانسته اند و گفته اند، غریزه عامل یا میکانیزم ثابت و تغییرناپذیریست که در زند گی اجتماعی انسان و حیوانهایی چون زنبورعسل، مورچه گان و گوزنهای قطبی و اسبهای وحشی به آسانی دیده میشود؛ مثلاً، شکل لانه سازی زنبورعسل هزاران سال است که ثابت بوده و تغییری نکرده است در حالی که در انسان غریزه یا انگیزش، طی میلیونها سال ضعیف شده و تغییر کرده است.(همان) نسبت این تغییر با گسترش نظام آموزش وپرورش در جوامع بستگی دارد.بدین معنی که هرقدر تربیت پیشرفت کرده از اهمیت غریزه در انسان کاسته شده است و ما این تغییر را در دگرگونی اندیشه و تفکر انسان، نوع سازگاری او با محیط طبیعی و اجتماعی، وضع خانه سازی و سکونت او و حتی روابط زناشویی ملاحظه میکنیم.بنابراین غریزه به عنوان عامل ثابت و قابل آموزش در تشکیل اجتماع انسانی و هم چنین عاملی برای بیان چگونگی رفتار اجتماعی انسان نمیباشد چون انسان از لحظه تولد تا دم مرگ در رفتار و کردارش تغییر حاصل میشود و نوع تغییر به نوع جامعه و تحول پذیری آن بسته دارد.هرقدر جامعه پویاتر باشد نسبت تغییرپذیری در انسان بیشتر است و هرقدر ایستاتر باشد نسبت تغییرپذیریش کمتر است.(همان) این مهم از این از این امر ناشی می شود که انسان در لحظه تولد فرد است، ولی بعد از تولد با گذشت زمان در اثر برخورد با اعضای خانواده و افراد خارج از خانواده برای خود در اجتماع موقعیتی کسب میکند و امکانهایی به دست می آورد که نوع این موقعیت و امکانها در خانواده و اجتماع یکسان نیست و این تأثیرپذیری از خانواده و محیط اجتماعی در تشکیل

شخصیت اجتماعی فرد تأثیر مستقیم دارد.بنابراین از این بحث میتوان چنین نتیجه گرفت که تشکیل شخصیت اجتماعی انسان به خصوصیتهای فردی، غریزی و زیستی او بستگی ندارد و تنها خصوصیتهای جسمی او چون (اندازه قد، رنگ پوست و مو و چشمان، نوع صدا و امثال آن است) که از طریق ژنها از والدین به کودکان منتقل میشود.در حالیکه خصوصیتهای اجتماعی چون اکتسابیست مانندخصوصیتهای جسمی از طریق غرایز و یا ژن قابل انتقال نمیباشد پس باید گفت خصوصیتهای اجتماعی هر فرد نتیجه محیط پرورشی و سازمانهای اجتماعیست که فرد به آن وابسته می باشد.اگر به اطراف خود دقت کرده باشیم می بینیم که کودکان و نوزادان سالم در آغاز تولد هیچ گونه تفاوت رفتاری باهم ندارند خصوصااگر از نظر تغذیه در دوران جنینی نیز مشابه هم باشند، ولی اگر در جامعه های متفاوت پرورش یابند تغییر رفتار خواهند داد.محیط پرورشی کودکان در میزان به کاربُردن هوش آن ها یعنی قدرت و توانایی سازگاری شان با محیط مؤثر خواهند بود، پس عامل ژن و یا غرایز گویای دگرگونی رفتارها نیست و علت تفاوت رفتار افراد در این است که بچه ها در شرایط اجتماعی متفاوت و پایگاههای اقتصادی مختلف به دنیا آمده اند و عوامل پرورشی نامساعد مثل مؤسسات آموزشی متفاوت و برخوردها و سیره های والدین با یک دیگر و با فرزندان و هم چنین شرایط اقتصادی و اجتماعی زندگی آن ها بستگی دارد.(هنری ماسن و همکاران:۱۳۶۸،ص۷) از نتایج تحقیقات محققان چنین بر می آید که عامل نژادی تأثیری مستقیم در رفتار افراد ندارد و اختلاف نژادی نمیتواند دلیلی برای پیشرفتهای یک گروه، یا اختلاف و تفاوتهای اجتماعی و تجاوز به حقوق گروه دیگر باشد.(شاهد مثال این قضیه پیشرفتهای مختلف سیاهان در جوامع غربی و در عرصه های مختلف زندگی می باشد.) البته محیط طبیعی در خصوصیتهای جسمی مؤثر است زیرا انسانها و جانوران برای ادامه زندگی ناچار اند با طبیعت سازگار باشند.تیرگی رنگ و تنگ بودن منافذ بدن در انسانهای استوایی و تفاوتی که خرسهای قطبی و استوایی دارند بر اثر سازگاری با محیط طبیعیست، هرقدر جامعه ابتدایی تر باشد تسلط طبیعت بر این جوامع بیشتر است ولی در جوامع متمدن، جامعه با وجود همبستگی با محیط طبیعی تقریباً از آن مستقل است زیرا افراد بشر قادر اند خود را دور از تأثیر مستقیم شرایط محیط طبیعی نگهدارند.در عصر حاضر تسلط انسان مجهز به سلاح علم بر طبیعت روز به روز بیشتر میگردد.تحقیقات علمی ثابت کرده که حتی میتوان خصوصیتهای جسمی را نیز بواسطه اختلاط و ترکیب نژادها تغییر داد.مثلاً، خصوصیتهای جسمی فرزند نسل چهارم که از ازدواج با افرادی غیر از نژاد خودشان در طی چهار نسل به وجود می آید با نسل اول کاملاً تفاوت دارد.(ژنتیک سوم دبیرستان) در حالی که میتوان خصوصیتهای جسمی را تغییر داد،پس چگونه میتوان گفت، نمیتوان رفتارهای اجتماعی را عوض کرد؟ بدیهیست که شرایط محیط اجتماعی، فرهنگی و از

همه مهمتر اخلاقی در تغییر رفتاربیشترین اثرات را دارد.دراین راستا کیفیت سازمان بدنی افراد گویای چگونگی رفتار آن ها نبوده و خصوصیات جسمانی دلیلی بر پیشرفت و یا عدم پیشرفت نیست.بلکه پیشرفت و یا عدم پیشرفت اقوام وگروههای مردم به شرایط اجتماعی، اقتصادی و آموزشی آن ها بستگی دارد بع اذعان اکثرمحققان، امروزه دیگراین عوامل اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی و اقتصادی هستند که نوع زندگی مردم و رفتار آن ها را تعیین میکنند نه خصوصیتهای جسمی و نژادی آنان.(بهشتی ۸۷) نبایدفراموش کرد که مفهومِ جامعه پذیری ویا اجتماعی شدن انسان ازگذشته تاکنون تغییراتی بخوددیده و این تغییرات به نوبه خود تحت تاثیر شرایط وعوامل اجتماعی عمده ای صورت گرفته است. برخی ازتحولات اجتماعیِ سطح کلان که درتغییردادنِ نوع نگاه ها به مساله جامعه پذیری نقش داشته اند به اجمال به شرح زیرند:

۱- تحولات پس از جنگ جهانی دوم، توجه سازمان های بین المللی از جمله سازمان ملل متحد و کمیسیون های متعدد ان به مقوله آسیب پذیران جنگ بویژه زنان و کودکان، کودکان آسیب دیده، سوء استفاده نظامی از کودکان در جنگ، قاچاق کودکان برای فروش در بازار کار و حتی فروش اعضای بدن، پدیده کودکان خیابانی وبی سرپرست و ...

۲- رشد جنبش های مدنی زنان و فمینیسم در بین فعالان حقوق بشر و عدالت خواه و توجه آنان به نهاد خانواده، روابط همسری و زناشویی، مقوله آموزش و تربیت کودک، ازدواج و طلاق، آسیب شناسی خانواده و در نهایت مقوله کودک و کودکی و توجه ویژه به مادری و زنانگی

۳- حضور بیش از پیش زنان در حوزه های مختلف جامعه شناسی بویژه در غرب و طرح و پیگیری مسائل و کودکان و بررسی و نقد نظریه های جامعه شناسی در این خصوص و انجام پژوهش ها و مطالعات مرتبط.به تعبیر کورسارو توجه جامعه شناسان به سایر گروه های تحت سلطه نظیر زنان و اقلیت ها نیز سبب عطف توجه به کودکان گردید.

۴- رشد وتوسعه دولت و جامعه رفاه و افزایش خدمات و تامین اجتماعی و بهداشت و درمان از یکسو و کاهش نرخ مرگ ومیر اطفال و افزایش متوسط طول عمر و امید به زندگی از سوی دیگر، جوامع مدرن بویژه جوامع اروپای شمالی و غربی و امریکای شمالی را با کاهش نرخ زادوولد روبرو ساخت.همزمان با این امر پدیده سالخوردگی به یکی از مسائل عمده جمعیتی و اجتماعی این جوامع مبدل شد.همچنین با توجه به نرخ رشد منفی و یا بسیار اندک جمعیت دراین جوامع، مسئله پویایی و ادامه حیات و بقای این جوامع انسانی در صدر توجه قرار گرفته ولذا کودکان ونحوه تربیت واجتماعی کردنِ آنها به عنوان سرمایه های انسانی و فرهنگیِ هرجامعه درکانون توجه قرار گرفت.

۵- افزایش خدمات بهداشتی در ممالک درحال توسعه و کاهش نسبی مرگ و میر کودکان در برخی

از ممالک فقیر نیز سبب ساز افزایش جمعیت خردسال و عریض شدن قاعده هرم جمعیتی این جوامع گردید.همزمان با آن با رشد نرخ مهاجرت بر اثر فقر، کاریابی، بلایـای طبیعـی، و مصـائب اجتمـاعی نظیر جنگ و کشتارهای جمعی زمینه خروج کسترده کودکان از جغرافیای نا امنِ جوامع فقیر و درحال توسعه به جوامع توسعه یافته و امن تربرای کودکان و تشدید توجه به این مسئله را فراهم ساخت.

۶- تحولات ساختار خانواده نیز از دیگر مواردی است که زمینه ساز رشـد توجـه بـه مقولـه کـودکی گردید.بطوریکه خانواده با کنده شدن از وابستگی به زمین، از شکل گسترده اش با حضور پدرو مـادر، عروس و پسران و نوه ها، مادر و پدربزرگ والدین و... به شکل هسته ای ظاهر شده و تغییر ساخت و کارکرد داد.درخانواده هسته ای عمدتا والدین و فرزندان زندگی می کنند که این وضعیت در ارتبـاط مستقیم با توسعه سرمایه داری، فناوری، توسعه شهرها، تنوع مشاغل خدماتی و اجتماعی بـود.دراین ساختار کودکان نقش محوری تری درنگاهِ والدین داشته و بیشتر مورد توجه قرار می گیرند.بـه بیـان دیگر بجای پیر سالاری،خرد سالاری اهمیت میابد.دراین میان حضور بیش از پیش زنان در بازار کـار و ضرورت نگهداری از کودکان توسط نهادهای جایگزین نقش مادری مانند مهـد کـودک، مـدارس، مراکز بازی و تفریحی، مقوله کودکی ونحوه تربیت وجامعه پذیریِ کودک ونوجوان را بـیش از پـیش در مرکز توجه قرار داد.

۷- همچنین باید به این امر نیز اشاره کرد که رشد وتوسعه آمارکودکان متولد شده در خارج از ازدواج و وقوع بی سرپرستی این کودکان، سبب ساز اولویت بیشتر دادن بهِ مقوله کودکی گردید.اولریخ بـک معتقد است با تحولات ناشی از جامعه مدرن و مدرنیتـه در مرحلـه دوم آن، فردیـت سـازی در برابـر جهانی سازی چنان روبه گسترش نهاده است که در ساختار خانواده، این کودکان و نه والدین هسـتند که در انتخاب پدر، مادر، خواهر و برادر خود نیز اختیار عمل دارند بویژه در خانواده های دست دوم که هر یک از والدین کودک از ازدواج های قبلی خود دارای فرزندانی هستند که شبکه جدیدی از خانواده را تشکیل می دهند! (بک، ۱۳۸۵).

۸- آینده شناسی و توسعه دانش فرافکنی و پیش بینی علمی تحولات علمی و اجتماعی نیز از دیگـر علوم راهبردی است که از سوی بسیاری از نهاد های قدرت و صاحبان ثروت برای تخمـین میـزان و تضمین نظم، ثبات و تحولات بازار و مناسبات مرتبط با آن بسرعت در چند دهه اخیر روبه رشد نهاده است.دراین میان مسئله شناسی آینده در رشته هایی مانند جامعه شناسی نیز سبب توجه به مقـولاتی شد که می توانست در آینده فاکتور تاثیر گذاری محسوب شود.یکی از این مقولات پرداختن به مقوله کودکی و نحوه اجتماعی کردن کودکان ونوجوانان برای روبروشدن با آینده پرشتاب وتغییرمی باشد..

۹-توسعه وسایل ارتباط جمعی و تکنولوژیهای ارتباطاتی اطلاعاتی که دسترسی سهل وهمه جایی را

برای جوامع و افراد فراهم آورده، باعث شکسته شدن مفاهیم زمان و مکان و گسترده شدن فضایی جهانی برای روند جامعه پذیری افراد گشته اند(گیدنز (۲۰۰۲) به اعتقادبسیاری محققان، تکنولوزیهای نوین نیز بنوبه خود یکی دیگر از عوامل مهم و تاثیرگذار برتامل واندیشه بیشتر پیرامون مفهوم جامعه پذیری کودکان ونو جوانان می باشد(بهشتی پور ۸۸)

بخش دوم: فاکتورها، عوامل و کارگزاران جامعه پذیری

فرآیند انتقال اخلاق اجتماعی، در برگیرنده تاثیرات متفاوتی است که در طول زندگی بر فرد وارد می شود.مهمترین این تاثیرات عبارت است از تاثیر عوامل(کارگزاران) جامعه پذیری یعنی افراد، گروهها و نهادهای مهمی که وضعیت های ساختی را فراهم می سازند تا فرآیند جامعه پذیری در درون آنها رخ دهد.در جهان امروز چهار عامل جامعه پذیری از اهمیت بالایی برخوردارند و بطور مداوم و موثر بر کسی تاثیر می گذارند.این چهار عامل عبارتند از:خانواده، مدرسه،گروه همسالان و وسایل ارتباط جمعی.

خانواده: خانواده بدون شک یکی از مهمترین عوامل جامعه پذیری در همه جوامع است و خانواده مسوولیت اصلی اجتماعی کردن کودکان را در سال های اولیه و حیاتی زندگی به عهده دارد.خانواده جایی است که کودکان نخستین وابستگیهای عاطفی نزدیک و صمیمی خود را در آن برقرار می سازند، زبان یاد می گیرند و ارزشها و هنجارهای فرهنگی را درونی می کنند.کودکان تجربه اجتماعی محدودی نسبت به خانوادهها دارند و بنابراین فاقد هر گونه مبنایی برای مقایسه و ارزشیابی چیزهایی که از اعضای خانواده آموخته اند، هستند.بخش مهمی از جامعه پذیری که در خانواده رخ می دهد عمدی و آگاهانه است ولی بخش زیادی از آن نیز کاملا ناخودآگاه است.برای مثال والدینی که با کودکانشان بدرفتاری می کنند غالبا والدین خودشان با آنان بدرفتاری کرده اند و احتمال بیشتری دارد که کودکان اینها نیز والدین بدرفتار و پرخاشگری شوند.به همین ترتیب می توان گفت که ویژگیهای شخصیتی از نسلی به نسل بعدی منتقل می شود. از لحظه تولد، کودکان در هر یک از خرده فرهنگهای نژاد، طبقه، قومیت، مذهب و منطقه از پایگاه محولی (غیراکتسابی) برخوردارند.برای مثال، ارزشها و انتظاراتی که کودکان می آموزند تا حد بسیار زیادی به طبقه اجتماعی والدینشان بستگی دارد.مطالعات ملوین کوهن نشان می دهد که والدین طبقه کارگر و طبقه متوسط، کودکان خود را به شیوه های مختلف تربیت می کنند.والدین طبقه کارگر ارزش بیشتری به همنوایی با معیارهای سنتی رفتار می دهند در حالی که والدین طبقه متوسط ارزش بیشتری به کنجکاوی یا ابتکار می دهند.بدین ترتیب، والدین کودکان خود را برای آن قسمت از دنیای اجتماعی که بهتر می شناسند، اجتماعی می کنند و با انجام این امر آنان یک نظام طبقه ای را در نسل بعد به وجود می آورند.تا حدودی به علت

این چنین تاثیراتی است که زمینه طبقه اجتماعی کودک عامل خوبی برای پیشگویی هوش، موفقیتهای تحصیلی و پایگاه نهایی اجتماعی – طبقاتی آن کودک است.

مدرسه: استمرار و بقای هر جامعه‌ای مستلزم آن است که مجموع باورها، ارزشها، رفتارها، گرایشها، دانش‌ها و مهارتهای آن به نسلهای جدید منتقل شود.ساز و کار mechanism یا وسیله این انتقال، آموزش و پرورش است.آموزش و پرورش به معنی اعم، مترادف با جامعه پذیری است، یعنی، فراگردی که افراد از طریق آن به یادگیری نقشها، قواعد، روابط و بطور کلی، فرهنگ جامعه خود می پردازند.(علاقه بند ۲۶)به معنی اخص،جامعه پذیری، فراگردی است که افراد به واسطه آن در وضعیتهای اجتماعی سازمان یافته، در معرض آموزش منظم دانشها، مهارتها، رفتارها و گرایشهای معین قرار می‌گیرند.در هر جامعه، این وضعیتها در قالب نظام آموزش و پرورش و سازمانهای رسمی آن تشکیل می‌یابند. مدرسه عامل یا کارگزاری است که رسما توسط جامعه موظف به اجتماعی کردن نوجوانان در زمینه مهارت ها و ارزش های خاصی شده است.در مجموعه مدرسه، نوجوان برای اولین بار تحت نظارت مستقیم کسانی که خویشاوند او نیستند، قرار می گیرد.مشارکت در زندگی مدرسه همچنین وابستگی و اتکای کودکان را به خانواده کاهش می دهد و ارتباطات جدیدی با جامعه بزرگتر که ورای خانواده قرار دارد، ایجاد می کند.اولین وظیفه مدارس عبارت است از اجتماعی کردن کودکان در زمینه مهارت های شناختی از قبیل خواندن یا حساب کردن و فراهم کردن معلومات درباره موضوعات گوناگون که ممکن است در خانواده فراهم نباشد.همچنین مدارس در هر جامعه، ارزش ها را به صورت درست به کودکان تلقین می کنند.مدرسه به عنوان عامل اجتماعی ساختن، بر اساس قواعدی که انتظار می رود هر فرد از آن تبعیت کند سازمان یافته است و در حالی که خانواده در جوامع ابتدایی مسوول مستقیم اجتماعی ساختن نخستین دوران کودکی است، در جوامع پیشرفته این مسوولیت به سازمانهای رسمی مانند مدرسه واگذار شده است. در جوامع جدید، مفهوم آموزش و پرورش و کارکردهای آن دستخوش تغییر و دگرگونی شده‌است.نیازهای گوناگون زندگی، انواع نوین آموزش و پرورش را طلب می‌کنند.شیوه‌های زندگی از نسلی به نسلی، تجدید شکل پیدا می‌کنند.ولی این تجدید شکل، همواره با تجارب بیشتر و انگاره‌های پیچیده‌تری همراه است.در جامعه پیچیده متمدن، با گسترش شهرنشینی، توسعه صنعتی، دگرگون شدن ساختارها و کارکردهای سیاسی و اقتصادی، عواملی مثل خانواده که در گذشته بار تعهدات تربیتی را عهده‌دار بودند، دیگر اقتدار و نفوذ کافی برای ایفای وظایف پیچیده آموزشی و پرورشی ندارند.با پیچیده‌تر شدن جامعه، آموزش و پرورش بطور روزافزونی، به صورت ابزار بازسازی فرد و جامعه در می‌آید.در نتیجه، شهروندانی که خواستار اشتغال به کار و خدمت در جامعه و خواهان برخورداری از مزایای زندگی اجتماعی می‌باشند،

مجبورند سالیان نسبتاً قابل ملاحظه‌ای از عمر خود را در مراکز آموزش و پرورش رسمی بگذرانند.

گروه همسالان: همچنان که کودکان بزرگتر می شوند، وقت بیشتر و بیشتری را در معاشرت با همسالان خود می گذرانند.کسانی که از لحاظ سنی و خصوصیات اجتماعی دیگر با آنها کاملا برابر هستند، همزمان با افزایش تاثیر گروه همسالان، تاثیر والدین کاهش می یابد.کاهش تاثیر والدین به ویژه در جوامع نوین صنعتی یعنی جایی که بسیاری از والدین دور از خانه کار می کنند بیشتر است.تاثیر گروه همسالان هنگام بلوغ به اوج خود می رسد یعنی زمانی که جوانان آماده تشکیل یک خرده فرهنگی متمایز از سلیقه ها، فعالیتهای اوقات فراغت، پوشش، زبان مخصوص، نمادها، ارزش ها و قهرمانیهای خاص خود است. در این هنگام کسب محبوبیت و مورد پسند واقع شدن یکی از اهداف مهم نوجوانان می شود و پذیرش ارزشهای گروه همسالان به طور وسیعی به پذیرش فرد در آن گروه کمک می کند.اگرچه گروه همسالان تاثیر زیادتری در زمینه سبک های آنی و زودگذر زندگی مانند علاقه های موسیقی یا فعالیتهای اوقات فراغت دارد، لیکن ارزشهای یادگرفته شده در خانواده در زمینه مذهب، سیاست، آموزش و اهداف شغلی معمولا تاثیر دراز مدت تری دارند.

وسائل ارتباط جمعی: وسایل ارتباط جمعی، وسایل گوناگون ارتباطی هستند که بخش وسیعی از مخاطبین را بدون هیچ گونه ارتباط شخصی بین فرستندگان و گیرندگان پیامها، فرا می گیرد از قبیل روزنامه ها، مجلات، کتابها، تلویزیون، رادیو، سینما، ویدئو، ماهواره و انواع سی دی ها و موبایل و اینترنت و....نکته قابل توجه ای‌ن است که رسانه های جمعی، هم می توانند هنجارهای اجتماعی را تقویت کنند و هم آنها را آشفته سازند بدین معنی که هر آنچه پخش یا نشر می کنند، انعکاس واقعیات وحقایق جامعه جلوه دهند.

بخش سوم: نگاهی به دیدگاه های نظری تاثیر وسایل ارتباط جمعی بر جامعه پذیری

دیدگاه افراطی پیرامون تاثیروسایل ارتباط جمعی: طبق نظرات طرفداران این دیدگاه، وسایل ارتباط جمعی دارای چنان قدرتی هستند که می توانند نسلی تازه برای اولین بار در تاریخ انسان پدید آورند.نسلی که با نسل های پیشین بسیار متفاوت است.طرفداران این دیدگاه قدرت رادیو را با بمب اتمی مقایسه می کنند که از آنها می‌توان در راه خیر یا شر با تاثیری شگرف سود برد(ساورخانی، ۸۴:۱۳۶۸ژان کاز نو)در این باره می نویسد :این اندیشه در نظر مردم رواج یافتکه وسایل ارتباط جمعی قدرتی فوق تصور دارند و می توانند افکار فلسفی و سیاسی را منقلب نموده، شکل تازه ای به آن بخشند و به اختیار تمامی رفتارها را هدایت نمایند).کازنو،(۴۵:۱۳۶۵) این عده بر ساز وکارهایی چون هدایت از راه دور(Telekinesis)، آدمک سازی(Robotism)، اثر بلع و

بویژه تاثیر بازتابهای شرطی تاکید می‌کنند و معتقدند که درونی کردن (Internalization) هنجارها، موجبات آشتی انسان را با خواست جامع فراهم می آورد.در این صورت انسان ها خود به عنوان عاملی در راه حراست از مواریث، هنجارها و قوانین جامعه تجلی می کنند و وسایل ارتباط جمعی ابزاری سریع، قدرتمند و موثر در راه تامین این منظور هستند).(ساروخانی، ۸۶:۱۳۶۸) دیدگاه تفریطی پیرامون تاثیروسایل ارتباط جمعی: طبق نظرات طرفداران این دیدگاه وسایل ارتباط جمعی تاثیر چندانی بر مخاطبین خود ندارند و دیگر»دوران سبع)«سلطه (وسایل ارتباطی و با آن دوران رواج عقاید تند و اسناد اثرات جادویی و خارق العاده به وسایل ارتباط جمعی پایان یافته است.این عده معتقدند که وسایل ارتباط جمعی علیرغم تکنولوژی برتری که از آن استفاده می کنند، با موانع بسیاری در راه اثر گذاری بر دیگران مواجهند(ساروخانی،.۸۵:۱۳۶۸) دیدگاه بینابینی پیرامون تاثیروسایل ارتباط جمعی: در مقابل این دو دیدگاه افراطی و تفریطی، دیدگاه سوم که بینابینی می باشد نظر بر این دارد که باید پذیرفت که وسایل ارتباط جمعی، ابزاری اجتماعی –فرهنگی به معنی عالی آن هستند و از این جهت اثرات چشمگیری برجای می گذارند، اما این آثار نه آنچنان است که هیچ محدودیتی را نشناسند(دیدگاه افراطی)یا آنکه چنان ناچیز است که هیچ اعتنایی را شایسته نباشد(دیدگاه تفریطی) بلکه باید دید حدود تاثیر این وسایل چیست و در چه شرایطی این تاثیرات محدودیت می یابند و یا تقویت می شوند(ساورخانی،.۸۶:۱۳۶۸) به نظر می رسد دیدگاه سوم واقع بینانه تر باشد ضمن اینکه نتایج تحقیقات انجام شده نیز موید همین دیدگاه است. «لازار سفلد» در تبیین این دیدگاه‌ها می نویسد:بسیاری تحت تاثیر همه جایی بودن وسایل ارتباط جمعی و قدرت بالقوه ی آنان به سختی هراسان شده اند.در سمپوزیوم، یکی از شرکت کنندگان نوشت :قدرت رادیو را می توان با قدرت بمب اتم مقایسه کرد.برخی دیگر بر این عقیده اند که وسایل ارتباط جمعی تاثیر چندانی بر مخاطبین خود ندارد.به نظر این دسته از اندیشمندان «دوران سلطه » وسایل ارتباطی وهمراه با آن دوران رواج عقاید تند و اسناددادنِ اثرات جادویی و خارق العاده به وسایل ارتباط جمعی پایان یافته است.برآیند نهایی و دوری از افراط گرایی این است که وسایل ارتباط جمعی و ابزار اجتماعی –فرهنگی به معنای عالی آن اثرات چشمگیری بر جای می گذارند، اما این اثرات نه آن چنان است که هیچ محدویتی نشناسد، یا آن که چنان ناچیز است که هیچ اعتنایی را شایسته نباشد، باید دید حدود تاثیر این وسایل چیست و در چه شرایطی این تاثیرات محدودیت می یابند یا تقویت شدنی هستند.؟) (محسنی۱۳۸۷:،۴۵)با تمام این اقوال، آن چه بدیهی به نظر می رسد، آن است که به دور از آثار مثبت و منفی آن باید اذعان داشت که پیدایش دگرگونی های اجتماعی و تغییر ارزش های اجتماعی از مواردی است که در نتیجه ی کارکرد رسانه ها صورت تحقق به خود می گیرند.از

سوی دیگر این وسایل در فرایند تهاجم فرهنگی و مقابله با آن، جنگ روانی، استعمار ملت ها در امر باز سازی و دستیابی به توسعه یافتگی، تحقق هدف های آموزشی به سرگرمی و غیره کاربرد مؤثری دارند. امروزه در عصر انفجار اطلاعات دیگر این حقیقت به خوبی اثبات شده است که از نظر کارکردهای آموزشی، رسانه ها سهم و نقش قابل ملاحظه ای در انتقال میراث فرهنگی و فکری بشری در میان ملل و انسان ها دارا هستند.در واقع با ظهور وسایل ارتباط جمعی پیشرفته، فرایند آموزش از انحصار مدرسه و آموزش گاه ها خارج شده و جهان پهناور به عرصه ی آموزش تبدیل گردیده است.در این فرایند وسایل ارتباط جمعی، محدودیت هایی از قبیل مکان و زمان، محدودیت سنی، محدودیت های اقلیمی و...از میان برداشته شده و در زمینه ی سیاست و حکومت، همان گونه که رسانه ها بر تصمیمات سیاست مداران و هیات حاکمه اثر می گذارند، به منزله ی ابزاری در دست حکومت ها دارای کاربرد و کار آمدی محوری هستند.با مراعات و لحاظ کردن جنبه های مثبت و منفی کارکرد رسانه های گروهی، این پدیده می تواند از یک سو سبب وحدت، همبستگی و وفاق ملی شود و از سوی دیگر حکومت ها می توانند از این پدیده در ایجاد همگونی، جهت دهی افکار عمومی و هماهنگ سازی نظریات توده ی مردم و جامعه نسبت به نظام سیاسی و کارکردهای آن استفاده کنند، به طوری که در نظام های استکباری، صدا و سیما و مطبوعات، ابزاری قوی و مؤثر برای بیعت گرفتن از مردم و جامعه می باشند.تا آن جا که از مطبوعات که مهم ترین و بارزترین وسایل ارتباط جمعی است به عنوان «رکن چهارم » یاد می شود.(همان) بنابراین در تقسیم بندی سه گانه می توان کارآمدی این پدیده ها را در موارد ذیل مشاهده کرد:

۱- عامل انتقال ارزش ها و هنجارهای فرهنگی

۲-ساماندهی ارتباط خانواده و فرد با دنیای خارجی

۳- تاثیر گذاری بر نهادهای سیاسی اجتماعی جامعه.

بر این اساس حیات سیاسی اجتماعی بشر امروز به شدت تحت تاثیر رسانه های گروهی قرار دارد.با در نظر گرفتن این واقعیت مسلم که پیام های رسانه ها هرگز از جنبه های سازنده و مخرب خالی نبوده، ضروری است به مطالعه و بررسی پدیده ی ارتباطات و آثار و کارکردهای آن بیش از پیش پرداخته شود.اهمیت این کار از آن جهت است که رسانه های گروهی با کارکرد خود، و با استفاده از دو عنصر اطلاعات و پیام، به صورت امواج صوتی تصویری و غیره با هم در نو دیدن مرزها بر افکار و اذهان انسان ها اثر نهاده و به کنش ها و رفتارهای فردی و اجتماعی آن ها جهت می دهند.پیام هایی که در قالب امواج صوتی، تصویری و یا کتاب و یا مجله در جهان امروز انتشار می یابد در برخی موارد سبب ظهور و شکل گیری حوادث، رخدادها و رویدادهای سیاسی مهمی در واحدهای

سیاسی و در عرصه ی کشورها و حتی جهانی می گردند.به عنوان مثال تولید و نمایش یک فیلم سینمایی، یا یک مقاله و یا یک کتاب که جنبه ی توهین به اعتقادات و باورهای دینی یک آیین را دارد، در فاصله ی کوتاهی به یک پدیده ی سیاسی مهم تبدیل می گردد. البته نباید فراموش کردکه علاوه بر عوامل وکارگزارانِ یاد شده، ممکن است مردم تحت تاثیر عوامل دیگر جامعه پذیری مانند : گروههای مذهبی، سازمانهای جوانان و بعدها در زندگی تحت تاثیر شرکتها، کلوپها، جنبشهای سیاسی و غیره قرار گیرند.بدیهی است که تاثیر عوامل گوناگون جامعه پذیری همواره با هم سازگار نیستند بلکه غالبا ممکن است در تضاد با یکدیگر باشند.مثلا، خانواده ممکن است ارزش هایی کاملا متفاوت ارزش های محیط و گروه همسالان ارزشهایی کاملا متفاوت از ارزشهای مدرسه داشته باشد.بدین ترتیب، جریان جامعه پذیری ممکن است در برخی جهات نا موفق باشد و مردم به شیوه هایی رفتار نمایند که قبلا پیش بینی نشده و مورد نظر نبوده است.پس شخصیت و رفتار هرگز به طور کامل ثابت نیست، بلکه آنها تحت تاثیر تجربیات جامعه پذیری در طول زندگی تغییر می یابند.

بخش چهارم: جامعه پذیری مدرسه ای

یکی از جنبه های اصلی جامعه پذیری را می توان در قالب جامعه پذیری مدرسه ای قرار داد بدین صورت که یکی از کارکردهای عمومی آموزش وپرورش، اجتماعی کردن افراد جامعه است و در این رابطه هدف جامعه پذیری،آموزش قواعد و نظامات اساسی، از آداب و عادات و رفتار روزمره گرفته تا روشهای علمی، به افراد است.(علاقه بند،ص۹۸) یعنی در واقع استمرار و بقای هر جامعه‌ای مستلزم آن است که مجموع باورها، ارزشها، رفتارها، گرایشها، دانش‌ها و مهارتهای آن به نسلهای جدید منتقل شود.ساز و کار یا mechanism این انتقال در عصر جدید ، آموزش و پرورش است.آموزش و پرورش به معنی اعم، مترادف با جامعه پذیری است،یعنی، فراگردی که افراد از طریق آن به یادگیری نقشها، قواعد، روابط و بطور کلی، فرهنگ جامعه خود می‌پردازندوبه معنی اخص، فراگردی است که افراد به واسطه آن در وضعیتهای اجتماعی سازمان یافته، در معرض آموزش منظم دانشها، مهارتها، رفتارها و گرایشهای معین قرار می‌گیرند.(همان) در هر جامعه، این وضعیتها در قالب نظام آموزش و پرورش و سازمانهای رسمی آن تشکیل می‌یابند. اینگونه به نظر می رسد که در جامعه پیچیده ومتمدن امروزی، با گسترش شهرنشینی، توسعه صنعتی، دگرگون شدن ساختارها و کارکردهای سیاسی و اقتصادی، عواملی مثل خانواده که در گذشته بار تعهدات تربیتی را عهده‌دار بودند، دیگر اقتدار و نفوذ کافی برای ایفای وظایف پیچیده آموزشی و پرورشی ندارند.با پیچیده‌تر شدن جامعه، آموزش و پرورش بطور روزافزونی، به صورت ابزار بازسازی فرد و جامعه در می‌آید.در نتیجه، شهروندانی که خواستار اشتغال به کار و خدمت در جامعه و خواهان برخورداری از مزایای

زندگی اجتماعی می‌باشند، مجبورند سالیان نسبتاً قابل ملاحظه‌ای از عمر خود را در مراکز آموزش و پرورش رسمی بگذرانند،با هنجارها و ارزشهای اساسی جامعه خود که در قالب برنامه های اجرایی مدارس ارائه می شود آشنا گشته و ضمن درونی نمودن آنها با محیط زندگی خود سازگار گردند. عموما این کارکرد مدرسه در قالب دو نوع جامعه پذیری صورت می پذیرد : الف)جامعه پذیری پایه،که شامل آموزش قواعد و نظامات اساسی جامعه،مقررات ساده و ارزشهاو هنجارهای عام می باشد و ب)جامعه پذیری سیاسی که درآن فرد نسبت به جهان سیاسی خود آگاهی یافته و نحوه فهم حوادث سیاسی و نحوه قضاوت در مورد آنها را کسب میکند.فرد فرهنگ سیاسی مسلط بر جامعه خود را در خود درونی میکند.(هویت سیاسی)(شارع پور۸۷ص ۱۶۸)

بخش پنجم: مداقه در جامعه پذیری مدرسه ای با تاکید برنظام آموزش ایران

یکی از اهداف اصلی نظام رسمی آموزش و پرورش در ایران،اجتماعی کردن صحیح کودکان و نوجوانان است،زیرا رشد و تحول سریع در سایه اجتماعی شدن،سازگاری و برقراری ارتباط مطلوب با دیگران میسر است.از بین تمامی سازمانهایی که نقش کلیدی در اجتماعی کردن افراد دارند مدرسه اولین جایگاه رسمی تجربه جامعه پذیری کودکان است و در این زمینه نقش تعیین کننده دارد.براین اساس هرگونه تلاش در خصوص ایجاد و پرورش مهارتهای اجتماعی چه در برنامه درسی رسمی و یا در فعالیتهای فوق برنامه نمی تواند بدون ملاحظه روند رشد دانش آموز باشد به ویژه آنکه سالهای حساس رشد اجتماعی مقارن با سنین مدرسه،اعم از دوره ابتدایی،راهنمایی و دبیرستان است.بنابراین مدرسه موظف است فرصتهای مناسب برای رشد اجتماعی و افزایش مهارتهای اجتماعی دانش آموزان فراهم نماید.در غیر اینصورت عدم کسب مهارتهای اجتماعی لازم (عدم جامعه پذیری مناسب) منجر به بروز مشکلات متنوع رفتاری خواهد شد.(فاتحی زاده:۸۴:۱۶۵)

بخش ششم: اهداف و ابعاد جامعه پذیری مدرسه ای

جامعه پذیری به عنوان کارکرد اصلی در برنامه کاری یک مدرسه در راستای تحقق اهداف زیر طراحی و پیش بینی شده است که عوامل اجرایی آن در مدارس (اعم از مدیر،معاونین،مربیان و معلمین و دانش آموزان)با طراحی برنامه های کاری سالانه و...خود در جهت رسیدن به این اهداف بایستی گام بردارند:

الف)آموزش قواعد و نظامات اساسی اعم از آداب و عادات و رفتار روزمره تا روشهای علمی به افراد

ب)ایجاد امید وآرزو و انگیزه لازم برای تحقق اهداف آموزشی و پرورشی در افراد به شیوه ای که آنها با میل و رغبت قواعدو نظم و انضباط را پذیرا باشند

ج) ایجاد هویت لازم در افراد از طریق برآوردن خواستها،آرزوهاو امیدها و سوداهای فردی

د)آموزش نقشهای اجتماعی و نگرشها،انتظارات و گرایشهای وابسته به آن
ه)آموختن مهارتهای لازم اعم از خواندن ونوشتن و حساب کردن تا مهارتهای اساسی زندگی(علاقه بند:۱۰۸،۱۳۷۰تا۱۱۰)

واقعیت غیرقابل انکار این است که مدرسه از اساسی ترین عناصر رشد اجتماعی است و اولیاء مدرسه باید از ارتباط بین جامعه پذیری مدرسه ای در قالب مهارتهای اجتماعی و پیشرفت تحصیلی با تربیت پنهان که همه جا وجود دارد و باعث یادگیری رفتارهای نامطلوب می شود آگاه باشند.چرا که امروزه داشتن مهارتهای اجتماعی رکن لازم و اساسی زندگی اجتماعی بوده و فقدان آن می تواند آسیبهای فردی و اجتماعی فراوانی را برجای گذارد لذا مدارس نقش بسیار مهمی در این زمینه می توانند ایفا نمایند.(مجله روانشناسی ۳۴:ص۱۶۸) بنابراین امروزه داشتن مهارتهای اجتماعی و جامعه پذیرکردن صحیحِ افراد مبنای لازم و ضروری زندگی اجتماعی بوده و فقدان آن باعث آسیبهای فردی و اجتماعی فراوانی می گردد.در این راستا مدارس به عنوان یکی از ارکان اصلی و اساسی اجتماعی نمودن دانش آموزان در خصوص این مهم وظایف متعددی را بر عهده داشته که در دوره دبیرستان که خروجی آموزش و پرورش در طول آن صورت می گیرد نمود بیشتری پیدا می کند.بنابراین برای جامعه پذیری مدرسه ای، براساس اهداف مطرح شده در آیین نامه وزارت آموزش و پرورش ایران مصوب شورای عالی آموزش و پرورش و برطبق نظرات پژوهشگران مختلف ابعاد زیر قابل بررسی وتامل می باشند:

۱- مهارتهای ارتباطی (مهارتهای کلامی،غیرکلامی،فرازبانی،برقراری ارتباط و.....)
۲- مهارتهای جرئت ورزی (توان «نه»گفتن،بیان نیازهای خود،شناسایی حقوق خود و دیگران،انتقاد و انتقاد پذیری،بیان احساسات و عقاید خودو.....)
۳- مهارتهای مربوط به پرورش حس همکاری،مسئولیت پذیری و نوعدوستی (همکاری در مدرسه،خانه و اجتماع)
۴- مهارتهای خودگردانی(مراقبت از خود هویت یابی،اداره امور مالی خویش و...)
۵- مهارتهای درک اجتماعی و شناسایی ارزشهای جامعه
۶- مهارتهای مربوط به آشنایی با قوانین اجتماعی و استفاده از سرویسهای اجتماعی
۷- مهارتهای شغل یابی و حفظ شغل
۸- مهارتهای پرکردن اوقات فراغت
۹- مهارتهای مقابله ای (جلب حمایت دیگران،ورزش وتربیت بدنی و تلاش در جهت استقلال مادی و معنوی آشنایی با روش حل مسئله و اصلاح باورهای غلط و...) (فاتحی زاده و همکاران۸۴)

نتیجه گیری

جامعه پذیری یک فرایند مادامالعمر است که طی آن هر فرد، هنجارها، ارزشها و الگوهای رفتاری را که جامعه وی بر آنها تأکید دارد، بصورت جزئی از وجود خویش در میآورد به عبارتی جامعهپذیری فرایندی است که به دنبال آموزشهای عام (اعم از آموزش رسمی و غیر رسمی) به افراد بدست آمده و موجب حلول قوانین رفتاری هر جامعه و همه ی انتظارات فرهنگی آن، در کل شخصیت روانی افراد، با(توجه به مشارکت آنها در نظام آن اجتماع)، میگردد و این قوانین و انتظارات را بر شخصیت فرد حک میکند.آموزش و پرورش به عنوان یکی از نهاد های اصلی جامعه نمی تواند فارغ از این عرصه نو و بدون درنظر گرفتن آثار و تبعات پیشرفتهای تکنولوژیکی نوین به فعالیت سنتی خویش یعنی پرورش و انتقال عناصر فرهنگی به نسل جدید ادامه حیات دهد چراکه فناوری های نوین ارتباطی با فراهم کردن امکان پیدایش جامعه ای شبکه ای، افراد و جوامع را در قالب های جدید هویت سازی نموده اند.این امر نه تنها بر ارتباط و تعامل انسانها با یکدیگر موثر افتاده بلکه ساختارها و نهادها را نیز با چالش روبرو ساخته است.در این میان جامعه پذیری مدرسه ای نیز به عنوان یکی از مولفه ها و عملکردهای رسمی در مدارس عنصری بسیار مهم در هویت بخشی،استمرار و تعمیق عناصر فرهنگی و ارزشها و هنجارهای رسمی به دانش آموزان می باشد.ورود ناخوانده ولی گریزناپذیر تکنولوژی های نوین ارتباطی از جمله موبایل به عرصه فرهنگ و آموزش وپرورش علی رغم استفاده های تکنیکی و....از آنها چالش هایی را پیش روی کارگزارن عرصه انتقال فرهنگی و متصدیان امر جامعه پذیری در مدارس گذاشته که حل این مسئله مستلزم پژوهش هایی تجربی و کارشناسانه است. .البته در این راستا نباید فراموش نمود که در جامعه کنونی تحولات تکنیکی فراوانی که در بروز و ظهور تکنولوژیهای نوین ارتباطی و اطلاعاتی صورت پذیرفته به نوعی کار سنتی جامعه پذیری را در جوامع مختلف به چالش کشانده اند.به قول کاستلز فرآیند جهانی شدن از یک طرف با گسترش رسانه ها،فرهنگ را از حیطه دستکاری و نفوذ دولتها خارج نموده و از طرف دیگر با برجسته شدن بسیاری از هویتهای خاص گرایانه در داخل هر کشور هویتها و خرده فرهنگهای متعددی را تولید نموده اند که نقش رسمی دولت ها را در این خصوص به چالش کشانده اند.

منابع و مآخذ

الف) کتاب ها

۱-استوور، ویلیام جیمز (۱۳۷۵) فنآوری اطلاعات در جهان سوم.مترجمان رضا نجف‌بیگی، اصغر صرافی‌زاده.تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
۲- استیون، وایت(۱۳۸۰).خرد، عدالت و نوگرایی.ترجمه محمد حریری اکبری.تهران: قطره.
۳- اسلوین،ج(۱۳۸۰)اینترنت وجامعه، ترجمه عباس گیلوریو و علی رادباوه، تهران، نشرکتابدار
۴- اولسون، دیوید(۱۳۷۷).رسانه‌ها و نمادها: صورت‌های بیان، ارتباط و آموزش.ترجمه محبوبه مهاجر.تهران: سروش.
۵- اینگلهارت، رونالد(۱۳۷۸).تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی.ترجمه مریم وتر.تهران: کویر.
۶- بلیک، رید و هارولدسن، ادوین(۱۳۷۸).طبقه‌بندی مفاهیم در ارتباطات.ترجمه مسعود اوحدی.تهران: انتشارات سروش.
۷- پیوزی، مایکل(۱۳۷۹).یورگن هابرماس.ترجمه احمد تدین.تهران: هرمس.
۸- تامپسون، جان بروکشایر (۱۳۷۹).رسانه‌ها و نوگرایی: نظریه‌ای اجتماعی درباره رسانه‌ها.علی ایثاری کسمایی.تهران: انتشارات موسسه ایران.
۹- سورین، و تانکارد، ج (۱۳۸۱).نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان.موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۰- ساروخانی، باقر(۱۳۷۸) جامعه شناسی ارتباطات، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
۱۱- شریعتمداری، علی (۱۳۷۸) فلسفه آموزش و پرورش، تهران،انتشارات سمت
۱۲- شارع پور (۱۳۸۷) جامعه شناسی آموزش وپرورش، تهران ، انتشارات دانشگاه
۱۳- دواس، اچ دی، (۱۳۸۳) پیمایش در علوم اجتماعی، ترجمه هوشنگ نائبی، تهران، نشر نی
۱۴- ریتزر، جورج (۱۳۷۸).نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر.محسن ثلاثی.تهران: علمی
۱۵- عاملی،سعیدرضا(۱۳۸۷)مطالعات تلفن همراه،تهران،سمت

ب) مقالات

۱- ابراهیمی،قوام (۱۳۷۳)،رابطه بین رشد اجتماعی با میزان دریافت انواع حمایت اجتماعی : نشریه پژوهش،شماره ۳۸(پژوهشکده تعلیم و تربیت ۱۳۸۴)از صفحه ۱۳تا صفحه ۲۶
۲- ایزدی،راحله (۱۳۸۶)پایان نامه کارشناسی ارشدبا عنوان، بررسی رابطه هیجان خواهی با میزان استفاده از پیام کوتاه تلفن همراه،استاد راهنما دکتر مرتضی منطقی،دانشگاه تربیت معلم کرج
۳- ایران پور، پرستو(۱۳۸۹) پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان میزان سواد رسانه ای و نقش آن در

استفاده از رسانه های تعاملی،استاد راهنما دکتر میررضا حسینی پاکدهی،دانشگاه علامه طباطبایی
۴- ایمانلو، منوچهر(۱۳۸۴)پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان بررسی عوامل موثر بر جامعه پـذیری شهروندی،استاد راهنما دکتر سعید ذکایی،دانشگاه علامه طباطبایی
۵- حسنی، محمد حسین(۱۳۸۲)پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان بررسـی رابطـه بـین اسـتفاده از اینترنت و گرایش دانشجویان به ارزشهای سیاسی،استاد راهنما دکتر محمد عبدالهی، دانشگاه علامـه طباطبایی
۶-دوران،بهزاد(۱۳۸۳)تاثیر اینترنت بر هویت همالان،فصلنامه انجمـن ایرانـی مطالعـات فرهنگـی و ارتباطات،شماره ۵(سال دوم)از صفحات ۲۳ الی ۳۲
۷-زنجانی زاده،هما،جوادی، محمد(۱۳۸۴)بررسی تاثیر اینترنت بر ارزشـهای خـانواده در بـین دانـش آموزان دبیرستانی ناحیه ۳ مشهد،مجله جامعه شناسی ایران،شماره ۲(دوره ششم) از صـفحات ۲۱ تـا ۳۵
۸- زارعی، عادل (۱۳۸۷)پایان نامه کارشناسی ارشـد بـا عنـوان رابطـه بـین بازیهـای رایانـه ای بـا مهارتهای اجتماعی دانش آموزان شهر پارسیان،استاد راهنما دکتر مسعود غلامعلی لواسـانی، دانشـگاه تهران
۹- شعبانی،یعقوب (۱۳۸۵)پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان تاثیر اینترنت برنگرشهای فرهنگـی و اخلاقی دانشجویان دوره کارشناسی،استاد راهنما دکتر پوراندخت فاضلیان،دانشگاه تربیت معلم کرج
۱۰- شعیبی، محیا (۱۳۸۹)پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان بررسی رابطه میان الگـوی اسـتفاده از اینترنت و هویت ملی، استاد راهنما دکتر سید کمال الدین موسوی، دانشگاه شاهد